# Responsibility to protect and Taliban domination of Afghanistan in the light of the dialectic of human Values

**Seyedeh Latifeh Hosseini**
Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (l.hosseini@alzahra.ac.ir)

**Narges Hosseini**
PhD in International Law, Researcher and University Lecturer, Tehran, Iran. (nargueshosseini@gmail.com)

**Mohammad Hosseinmardi**
Assistant Professor, Department of Islamic teachings, Payame Noor University, Tehran, Iran. (phd_mardi@pnu.ac.ir)

**Zainab Esmati**
Assistant Professor, Department of law, Ka.C, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Esmati_tehranbar@yahoo.com)

**Abstract:**
The situation in Afghanistan has a geopolitical status and its events attract the attention of the world's great powers. Military offensives, arbitrary detentions, forced relocations, intimidation, insecurity, and the disenfranchisement of Afghan women, children, and men were some of the actions that took place in August 2021 when the Taliban took control of Afghanistan.However, the sovereignty of a state must include a commitment to protect those under its authority. When a government does not fulfill this commitment, it must expect the reaction of the international community. This article seeks to describe the recent situation in Afghanistan in a descriptive and analytical manner, emphasizing the need for the Taliban to fulfill their human rights obligations to the Afghan people, Thus, to answer this fundamental question, how is the doctrine of the responsibility of support possible in the case of Afghanistan as a way to end the chaotic situation of Afghans by relying on the mechanisms of international relations? in order to make a positive commitment to the sovereignty of governments in the world., Finally, it becomes clear that the responsibility to protect requires a positive commitment inherent in the traditional concept of sovereignty of states. Sovereignty is not only a right but also a responsibility under which a state is committed to safeguarding and respecting the rights of those under its jurisdiction. In this way, in the dialectical relationship between sovereignty on the one hand and human values on the other, the antithesis of the responsibility of protection can be presented.

**Key words:**
*Responsibility to protect, Sovereignty, human Values, Afghanistan, dialectic*

# مسئولیت حمایت و استیلای طالبان بر افغانستان در پرتو دیالکتیک هنجارهای بشری[1]

**نویسنده مسئول، سیده لطیفه حسینی**

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (l.hosseini@alzahra.ac.ir)

**نرگس سادات حسینی**

دکتری حقوق بین‌الملل، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، تهران، ایران. (nargueshosseini@gmail.com)

**محمدمهدی حسینمردی استادیار**

دکتری حقوق بین‌الملل، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (phd_mardi@pnu.ac.ir)

**زینب عصمتی**

استادیار گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (Email: Esmati_tehranbar@yahoo.com.)

**چکیده**

وضعیت افغانستان دارای جایگاه ژئوسیاسی است و وقایع آن توجه قدرت‌های بزرگ دنیا را جلب می‌کند. یورش‌های نظامی، بازداشت‌های خودسرانه، کوچ اجباری، رعب و وحشت، ناامنی، عملیات تروریستی مکرر و سلب حقوق زنان و کودکان و مردان افغانی ازجمله اقداماتی بوده که با تسلط افغانستان توسط طالبان در اوت ۲۰۲۱ رخ داد. این درحالی است که حاکمیت یک دولت باید در بردارنده تعهد حمایت از افراد تحت صلاحیت آن باشد؛ زمانی که دولتی به این تعهد عمل نمی‌کند باید انتظار واکنش جامعه بین‌المللی را داشت. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی در صدد است با در نظر داشتن وضعیت اخیر افغانستان و تسلط طالبان، با تأکیدبر لزوم رعایت تعهدات حقوق بشری نسبت به ملت افغانستان از طرف طالبان، به این سؤال بنیادین پاسخ دهد که چگونه دکترین مسئولیت حمایت در قضیه افغانستان به‌عنوان راه‌کاری برای خاتمه به وضعیت نابسامان افغان‌ها با ابتنا بر سازوکارهای روابط بین‌الملل امکان‌پذیر است؟ برای آن‌که بتواند تعهد ایجابی را متوجه حاکمیت دولت‌ها در جهان نماید. حال آن‌که حاکمیت نه‌فقط یک حق، بلکه مسئولیتی است که به‌موجب آن یک دولت به مراقبت و رعایت حقوق افراد تحت صلاحیت خود متعهد می‌باشد به‌این‌ترتیب در رابطه دیالکتیکی میان حاکمیت ازیک‌طرف و ارزش‌های بشری از طرف دیگر آنتی‌تز مسئولیت حمایت قابل‌ارائه است.

**واژگان کلیدی:** *مسئولیت حمایت، حاکمیت، ارزش‌های بشری، افغانستان، دیالکتیک*

---

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲؛ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

**مقدمه:**

قدرت‌گیری و تسلط مجدد گروه بنیادگرای طالبان به شیوه غیردموکراتیک پس از ۲۰ سال در افغانستان با نقض موازین حقوق بشر، مخاصمات مسلحانه و بحران‌های‌انسانی در تابستان ۲۰۲۱ همچون مهاجرت و کوچ اجباری افغان‌ها همراه بود. تبعات چنین تحرکات گسترده نظامی ازدست‌رفتن سرمایه‌های معنوی و مادی، حس ناامنی گسترده در میان شهروندان افغان و اتباع دولت‌های خارجی مقیم در خاک آن کشور هم‌زمان با خروج نیروهای خارجی مستقر در آنجا و تسلط گروه طالبان بر مناطق زیادی در افغانستان و سقوط دولت مرکزی مستقر بود که خود بازتاب گسترده‌ای را درسطح امنیت درون منطقه‌ای غرب آسیا برای کشورهای همسایه‌ای همچون ایران در پی داشت. نکته مهم آن، مسئولیت جامعه بین‌المللی در اقدام مؤثر و فوری، نسبت به نقض و موازین حقوق بشر و حمایت از پناهندگان افغان و تلاش آن‌ها برای خروج از این کشور می‌باشد. این درحالی است که شورای امنیت با تشکیل جلسه اضطراری به صدور قطعنامه ۲۵۳۲ شورای امنیت در ۲۸ اوت ۲۰۲۱ به موضوع حملات انتحاری صورت گرفته در اطراف فرودگاه حامد کرزی (کابل) که منجر به کشته شدن و زخمی شدن بیش از ۳۰۰ نفر غیرنظامی و ۲۸ پرسنل و کادر نظامی و جمعیت زیادی که به‌آنجا پناه برده بودند، پرداخت. مستفاد از مقدمه منشور ملل متحد و بندهای ۲،۱ و ۳ ماده ۲ آن،[۲] آرمان واقعی ملل متحد در چارچوب رهایی از ترس و نیاز و تلاش برای کاهش قربانیان ناشی از مخاصمات و نقض‌های گسترده حقوق بشر است، در این راستا مفهوم مسئولیت حمایت تضمین می‌نماید تا دولت‌ها از افراد تحت صلاحیت خود حمایت کنند و جایی که چنین نکنند، انتظار می‌رود جامعه بین‌المللی نقش آن‌ها را ایفا کند؛ زیرا مساعی حقوق بین‌الملل معاصر بر آن است تا خشونت از تمدن انسانی رخت بربسته و بشر منزلت و جایگاه واقعی خود را بازیابد. ازاین‌رو بحث مسئولیت حمایت در افغانستان به‌واسطه اجرای موازین حمایت از حقوق بشر نیازمند بررسی است.

این مقاله با روش توصیفی – تحلیلی بامطالعه و تدقیق در نظام بین‌الملل ازجمله منشور ملل متحد، قطعنامه‌های سازمان ملل، سایر مراجع بین‌المللی و دکترین به نگارش درآمده و در یک رهیافت نوآورانه‌ای در پی ارائه مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای از زوایای حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل است با این رویکرد که گفتمان این دو عرصه بر یکدیگر

---

[۲] . سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضاء آن قرار دارد. ( بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد)، کلیه اعضاء به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته‌اند با حسن نیت انجام دهند. ( بند ۲ ماده ۲ منشور ملل متحد)، کلیه اعضاء اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیزبه طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیافتد،حل خواهند کرد. ( بند ۳ ماده ۲ منشور ملل متحد)

اثرگذاری و اثرپذیری متقابلی دارند و حقوق بین‌الملل مجموعه قواعدی است که ناشی از روابط بین‌الملل است و در ایجاد آن‌ها منافع و اراده دولت‌ها نقش دارند؛ بنابراین بررسی اسناد و منابع موجود به‌منظور تفسیر عقلانی وضعیت موجود سرلوحه کار قرارگرفته است؛ اما ازآنجاکه زمان و مکان در شکل‌گیری و قلمرو مفهومی هر قاعده حقوقی تأثیرگذار است و بدون توجه به این دو عنصر، پویایی نظام حقوقی معنای واقعی خود را از دست خواهد داد لذا واقعیات جامعه بین‌المللی و روابط دولت‌ها در عرصه بین‌المللی نیز در ارتباط با موضوع مسئولیت حمایت ازنظر دور نمانده است. به‌این‌ترتیب عملکرد و رویه دولت‌ها نیز مطمح نظر خواهد بود. منابع رسمی و معتبر نظیر مقاله‌ها در ارتباط با مسئولیت حمایت به‌عنوان یکی از موضوعات حقوق بین‌الملل عمومی به زبان فارسی و لاتین وجود دارند که به نحو کلی به تبیین موضوع پرداخته‌اند. هرچند منابع موجود موضوع مسئولیت حمایت در افغانستان را با محوریتی که در این مقاله ارائه گردیده، در برنمی‌گیرند. بااین‌حال بهره‌گیری از همین منابع پراکنده در نگارش این مقاله به پژوهشگر کمک نموده است. تحول راهبرد پایگاهی آمریکا: مطالعه موردی غرب آسیا عنوان مقاله‌ای است که توسط فصلنامه روابط خارجی به چاپ رسیده (طه، ۱۴۰۰) نویسنده در قالب مطالعات راهبردی در بخش روابط خارجی متغیر مستقل بحث خود را به کنشگری‌های پایگاهی و عملیاتی موضوع اختصاص داده که در این پیرامون ایالات‌متحده به تحرکاتی با کاستن از حضور مستقیم نظامی خود در منطقه غرب آسیا متقاعد ساخته و اهتمام خود را مصروف آن می‌نماید تا با رویکرد استراتژیکی فرا ساحلی آن را مورد تحلیل قرار دهد درحالی‌که نوشتار حاضر در قالب جایگاه مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در قبال دولت‌های در معرض زوایای تصمیمات عملیاتی، آن‌ها را به تحلیل قواعد و اصول حقوق مسئولیت بین‌المللی برده و درپی آن است که به الزام آن‌ها در کاهش تلفات انسانی و غیرانسانی بابت تصمیمات عملیاتی که اتخاذ می‌کنند بپردازد. شناسایی امارت اسلامی افغانستان (طالبان) از منظر حقوق بین‌الملل کار پژوهشی دیگری بوده که توسط فصلنامه مطالعات بین‌المللی منتشر شد. (عزیزی، ۱۴۰۰) پژوهشگر آن، موجودیت یافتن حکومتی نوپا را در افغانستان از سوی یک گروه محلی موسوم به طالبان و صدور قطعنامه ۲۵۱۳ سال ۲۰۲۰ توسط شورای امنیت نشان از عدم رسمیت یافتن این تشکیلات دانسته و موضوع مسئولیت بین‌المللی این گروه را به‌عنوان راه‌حلی نهایی برای راه‌یابی آن‌ها به جامعه جهانی معرفی کرده است این درحالی است که مجموعه تحقیقی حاضر مسئولیت نه‌فقط یک گروه را در تثبیت جایگاه سیاسی خویش لازم می‌داند بلکه درجایی دیگر به‌واسطه این‌که طالبان در سطح کلی قدرت را در اختیار گرفته است آن را کافی نمی‌داند و برمبنای تفسیر از طرح مسئولیت در کنار آن جامعه جهانی را به مشایعت در اجرایی نمودن حقوق مسئولیت حمایت متعهد دانسته که در این میان اراده سیاسی دولت‌ها در تأثیرگذاری بر رویکرد حقوق بین‌الملل بی‌تأثیر نیست تا جایی که ایالات‌متحده به مذاکره با طالبان که اعضای برجسته آن در حوزه حقوق الملل کیفری مرتکب جنایاتی علیه بشریت شده‌اند پای میز مذاکره نشست.

ازاین‌رو در این مقاله سؤال اصلی این خواهد بود که چگونه دکترین مسئولیت حمایت در قضیه افغانستان امکان‌پذیر است؟ برای بررسی نحوه امکان و عدم امکان اعمال دکترین مسئولیت حمایت در افغانستان بعد از استیلای طالبان ضمن نگاه اجمالی به ماهیت واژگان کلیدی مرتبط به موضوع و بررسی مبانی نظری و پیشینه تاریخی مفهوم مسئولیت حمایت (قسمت اول) اشکال این مسئولیت در قالب پیشگیری و با تأکید بر قطعنامه شورای امنیت پرداخته خواهد شد (قسمت دوم) و درنهایت عناصر لازم برای اعمال مسئولیت حمایت در افغانستان موردبررسی قرار می‌گیرد (قسمت سوم).

## ۱. مفهوم شناسی و مبانی

روشن شدن هر موضوعی نیازمند تعریفی روشن و مختصر از آن موضوع است و نگاهی اجمالی به مبانی نظری و پیشینه یک پدیده امکان ارزیابی و بررسی تحولات آن پدیده را بهتر فراهم می‌کند. به‌این‌ترتیب در این قسمت بررسی موضوع با ارائه تعریف واژگان مرتبط با موضوع، مبانی نظری و پیشینه تاریخی آن آغازشده است.

### ۱-۱ تحلیل مفاهیم

در این قسمت به تبیین واژگان مسئولیت حمایت، طالبان و دیالکتیک ارزش‌های انسانی پرداخته خواهد شد.

**الف. مسئولیت حمایت:**

حاکمیت در مفهوم سنتی خود امور داخلی یک کشور را در حوزه صلاحیت ذاتی دولت آن قرار می‌داد صرف‌نظر از این‌که آن دولت چه رفتاری نسبت به مردم خود دارد. اما حاکمیت ملی به‌موازات تغییر تعهدات دولت‌ها دستخوش تغییر شده و جامعه بین‌المللی به سمتی درحرکت است که حاکمیت دولت را مجوزی برای کشتن افراد نمی‌داند. به‌این‌ترتیب تسلط یک گروه جهادی برنهادهای اجرایی نیز نمی‌تواند با تکیه‌بر چتر حمایتی حاکمیت خود از پاسخگویی نسبت به کشتار و جنایات رخ‌داده در قلمرو صلاحیتی‌اش سرباز زند.

دکترین مسئولیت حمایت در حقیقت زمانی قابل‌اعمال است که مقامات داخلی به نحو آشکار در حمایت از مردم خود در برابر جنایاتی نظیر ژنوسید، جنایات جنگی، پاک‌سازی قومی و جنایات علیه بشریت کوتاهی و قصور می‌کنند. عدم برخورداری از حداقل حقوق شهروندی، به‌کارگیری خشونت علیه زنان و برخورد با اقلیت‌های قومی و یا اعدام خودسرانه افراد ازجمله این اقدامات است. مسئولیت بین‌المللی نتیجه الزام‌آور بودن تعهداتی است که بر طبق حقوق بین‌الملل بر عهده تابعان اصلی حقوق بین‌الملل است حقوق مسئولیت بین‌المللی با تدوین و ارائه قواعدی جنبه عملی پیدا می‌کنند و تا حدود صدسال قبل نتوانسته بود خود را به‌صورت ضابطه‌مندی وارد عرصه حقوق بین‌الملل کلاسیک نماید. (سیفی،۱۴۰۰، ص ۱۴)

**ب.طالبان:**

گروهی مسلح متشکل از طلبه‌های افغانی و پاکستانی که نخستین بار در واپسین دهه قرن بیستم و در جغرافیای سیاسی – اجتماعی مناطق جنوبی افغانستان سال ۱۹۹۴ اطراف شهر قندهار رخ نمایاند و اعلام موجودیت کردند جریانی که

در دور اول حیات خویش و پس از یک سلسله عملیات نظامی طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ توانست بربخش‌های قابل‌توجهی از افغانستان استیلا پیدا کند و اقدام به تشکیل دولتی تحت عنوان امارت اسلامی نماید.(باقری دولت‌آبادی، باقری ونایبج،۱۳۹۷، ص ۱۰۷)

**ج.دیالکتیک ارزش‌های انسانی:**

دیالکتیک در معنای کلی حاکی از فرآیند درهم‌تنیده تضاد مفهومی با اجتماع، پیوند متقابل و تغییر است که درآن تکوین و نفوذ متقابل و اصطکاک تضادها به تعالی آن‌ها به‌صورت یک شیوه وضع کارآمدی به خود می‌گیرد درواقع دیالکتیک یکی از قدیمی‌ترین، پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مفاهیم فلسفی است (سروش،۱۳۵۷، ص ۲۱) این مفهوم در حوزه مسئولیت‌پذیری تابعان دولتی و سازمانی در نظام جهانی تحت تأثیر فرآیند انسانی شدن حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد به‌ویژه حرمت و حیات انسانی و تأکید بر رعایت تعهدات بین‌المللی مقدم شمرده‌شده و عامل اضطرار رافع وصف متخلفانه اعمال ارتکابی قلمداد گردیده است لذا در حمایت از حیات جمعی انسان‌ها یا ملت‌ها نیز عذر ضرورت واجد این ویژگی شناخته شد. اصل حکمرانی مطلوب این اقتضاء را دارد تا دولت‌ها اصول و ارزش‌های انسانی را مورد توجه قرار دهند هرچند جهانی‌شدن همراه با توسعه تکنولوژی و تجارت جهانی بستر شکل‌گیری دنیای بدون مرز را فراهم ساخت اما در همین خصوص دولت‌ها به شکل مطلق نمی‌توانند اعمال حاکمیت نمایند. (شهبازی،۱۳۸۸، صص ۲۱-۱۹)

در این‌جا فرآیند سیالی میان ارزش و واقعیت در نظام حقوق بین‌الملل وجود دارد که عرصه جدال کلامی را میان دو رهیافت واقع‌گرا وایده‌آلیسم از مکاتب حقوق طبیعی و حقوق وضعی می‌گشاید یعنی دیالکتیکی که از دیرباز میان حقوق موجود و حق موعود یا آنچه هست آنچه باید باشد ادامه پیدا می‌کند.

**۲-۱- مبانی نظری و تحول تاریخی در دکترین مسئولیت حمایت**

حاکمیت حق سنتی دولت‌ها و تعهد امروزی دولت‌ها است به این معنا که دولت‌ها دارای استقلال و برابری حاکمیت‌ها می‌باشند و دولت‌های دیگر نباید در امور داخلی مربوط به اداره کشور یکدیگر مداخله کنند ( Turner, M, 2005, p. 31) اما در مقابل، دولت حاکم دارای تعهداتی ازجمله رعایت حقوق افراد تحت صلاحیت خود می‌باشند مسئله آنجا بغرنج می‌شود که دولت حاکم حقوق افراد بومی خود را نادیده انگاشته و در مقابل جنایات ارتکابی علیه آنان سکوت می‌کند و بعضاً خود اقدام مثبتی در جهت ارتکاب جنایات اتخاذ می‌کند استیلای طالبان در افغانستان و تلاش برای ایجاد دولت ازجمله وضعیت‌هایی است که امروزه در جامعه بین‌المللی بیم آن می‌رود که درنتیجه آن حقوق افغان‌ها نقض گردد. (Evans, G. 2007, p. 20) در این راستا، ترویج و گسترش اتحاد بر اساس انسانیت مشترک در درون هر ملت و در میان تمام ملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ملل متحد نیز به‌عنوان نماینده جامعه جهانی زمانی می‌تواند با چالش‌های پیش روی جامعه جهانی مقابله نماید که رویکرد گزینشی با رویدادهای بین‌المللی را کنار

گذارد. مطابق گزارش اخیر دبیر کل متحد از طرح مسئولیت بین‌المللی موضوع مسئولیت بین‌المللی متوجه دولت‌ها بوده که اعمال متخلفانه‌ای را مرتکب می‌شوند یا این‌که مستند به ماده ۸ طرح مسئولیت بین‌المللی رفتار شخص یا گروهی از اشخاص که بر اساس حقوق بین‌الملل فعل دولت به‌حساب آمده که تحت دستور آن دولت مرتکب چنین جنایاتی شده‌اند در گزارش اخیر مؤثر بودن اقدامات دولت یا گروه آمر به‌عنوان وجه تعیین‌کننده مورد تأکید است. (General Assembly, 2022, p.14)

دهه اول قرن ۲۱ و در بحبوحه بحران‌های یوگسلاوی سابق و روآندا تلاش‌هایی در مدت دهه ۱۹۹۰ برای توجه جامعه جهانی به‌ویژه از جانب دبیر کل وقت ملل متحد کوفی عنان به‌عنوان چالش بزرگ هزاره صورت گرفت تا در چارچوب مداخلات بشردوستانه مسئولیت حمایت دولت‌ها به‌عنوان تعهداتی پذیرفته شود که دولت‌ها در موارد فجایع حقوق بشری متعهد به پاسخ‌گویی در برابر چنین اقداماتی باشند. ازاین‌رو کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت[۳] با همکاری دولت‌های عضو گزارش‌هایی را طی مدت‌زمانی سپتامبر سال ۲۰۰۰ و دسامبر ۲۰۰۱ منتشر ساخت (Evans, 2008, pp. 30-38)

دیوان بین‌الملل دادگستری ۲۲ ژوئیه سال ۲۰۲۰ مصادف با ۳۱ تیرماه ۱۴۰۱ در پرونده اتهام ژنوسید به ارتش میانمار علیه اقلیت مسلمان روهینگا اعلام داشت که به‌واسطه نقض کنوانسیون ملل متحد در مورد ژنوسید توسط دولت میانمار و در پی درخواست دولت گامبیا به‌عنوان طرف ثالث دعوا و با وجودی که مورد اعتراض دولت میانمار قرار گرفت اما نافی نقش دیوان به‌عنوان رکن قضایی ملل متحد و مرجع رسیدگی‌کننده، نمی‌باشد و صلاحیت رسیدگی به این پرونده را برای این‌که نقض تعهد توسط یک دولت صورت گرفته و از جانب دولت دیگری درخواست رسیدگی مطرح شده، دارا است.[۴]

پس از سال ۲۰۰۱ در باب پذیرش یا عدم پذیرش دکترین مسئولیت حمایت اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. دولت‌های مخالفِ مسئولیت حمایت، آن را بهانه‌ای برای تسلط نظامی یا سیاسی، اجرای گزینشی و باانگیزه‌های سیاسی و درنتیجه تشدید بحران بشردوستانه دانسته و برخی آن را بهانه‌ای برای تغییر رژیم می‌دانند (Barbour And Gorlick, 2008, p. 533) مخالفان مسئولیت حمایت غالباً هر سه بعد آن یعنی پیشگیری، واکنش و بازسازی را توأمان در نظر نمی‌گیرند و فقط مسئولیت به واکنش را که همان مداخله نظامی بشردوستانه است، موردتوجه قرار می‌دهند. باوجوداین، بسیاری، مداخله ناتو و در رأس آن شورای امنیت رادرکشورهایی مثل: افغانستان را در بوته آزمون اصلی مسئولیت حمایت دانسته‌اند.[۵]

---

[3] The International Commission on intervention and State Sovereignty

[4]Application of the convention on the prevention and punishment of the crime of Genocide of the crime of Genocide,The Gambia v.Myanmar,No.178,22July 2022,PP:17.

۳ – بان‌کی‌مون در این خصوص اظهار داشت: «در سال ۲۰۱۱ مسئولیت حمایت به نحوی مورد آزمون قرار گرفت که پیش از آن قرار نگرفته بود. نتایج آسان نبودند اما در پایان روز، جان بسیاری از افراد نجات یافته بود.» نک به:

Ban, K. *Responsibility to Protect Came of Age in 2011, Conference on the Responsibility to Protect (RtoP), United Nations*, 18 January 2012, available online at <http://www.un.org/News/Press/docs/ 2012/sgsm14068.doc.htm>.

کمیسیون بین‌المللی مداخله، مسئولیت پیشگیری را مهم‌ترین بعد مسئولیت حمایت می‌دانست، بان‌کی‌مون در سال ۲۰۱۰ عنوان کرد که مسئولیت حمایت باید برمبنای ارزیابی و هشدار اولیه انجام پذیرد. ( UN General Assembly, *Report of the Secretary-General*, 2010, para10) درواقع گزارش دبیر کل در سال ۲۰۰۹ تحت عنوان «اجرای مسئولیت حمایت» (*Report of the Secretary-* UN General Assembly *General*,2009:para5) و در سال ۲۰۱۰ تحت عنوان «ارزیابی و هشدار اولیه و مسئولیت حمایت» اولین گام برای شروع را پیشگیری خواندند. (Ban, K., 2010, para7) همچنین دبیر کل سابق این پیشنهاد را مطرح کرد که سال ۲۰۱۲ به‌عنوان سال پیشگیری نام‌گذاری شود (Heaton, L, 2012, p. 2) زیرا پیشگیری چه ازنظر مادی و چه ازنظر اخلاقی هزینه کمتری نسبت به واکنش یا عکس‌العمل دارد و باعث می‌شود از مشاجره و اختلاف در خصوص مداخله ازیک‌طرف و اقدام به مداخله بشردوستانه و کاربرد زور از طرف دیگر جلوگیری شود. ( J. Desmond. T, 2008, p. 21) و همین اقدامات پیشگیرانه مسئولیت حمایت است که از بار اخلاقی مداخله بشردوستانه می‌کاهد. در این مرحله مراجع صالح بین‌المللی نظیر شورای امنیت به دلیل اختیارات وسیعی که دارد با اعمال اقدامات محدودکننده نظیر تحمیل تحریم‌های اقتصادی و نظامی (نیکنام ابربکو، ۱۳۹۵، ص ۱۳) و با در انزوا قرار دادن دولت مستقر سعی در آرام کردن اوضاع نماید. این نوع از مسئولیت حمایت در حال حاضر با صدور قطعنامه شورای امنیت در خصوص افغانستان قابل‌اعمال است.

گفته می‌شود مسئولیت حمایت باید آخرین راه‌کار توقف قصور یک دولت در حکمرانی باشد. به‌عنوان نمونه در قضیه لیبی از مداخله نظامی به‌عنوان آخرین راه استفاده شد چراکه تلاش‌های غیرنظامی و دیپلماتیک انجام‌شده بود. (Report: Fighter jet shot down near Benghazi, 2011) در این راستا، شورای امنیت تحریم‌هایی ازجمله تحریم تسلیحاتی و ممنوعیت سفر را اعمال و اموالی را مسدود کرد ولی هیچ‌یک از این اقدامات کارساز نبود ( U.N. Doc. S/RES/1970, 2011; U.N. Doc. S/RES/1973, 2011) لذا در قضیه لیبی معیار آخرین راه محرز بود. نشست سران کشورها در جلسه شصتم مجمع عمومی سال ۲۰۰۵ حاکی از وجود این اعتقاد حقوقی بود که باید در مقابل دولتی که در برابر جنایات علیه مردم خود کوتاهی می‌کند، اقدام مقتضی اتخاذ کند. ( UN Doc A/RES/60/1 (2005): para 139, UN Doc S/res/1894, 2009: par7) این درحالی است که به‌رغم وجود این رویکرد واکنش ارکان ملل متحد در اعمال دکترین مسئولیت حمایت گزینشی است و دستورالعمل مشخصی در خصوص شرایط و نحوه اعمال این دکترین در برخورد با دولت‌های ناتوان در اعمال وظایف حاکمیتی خود وجود ندارد.

مسئولیت حمایت و مداخله بشردوستانه دوروی یک سکه است. یکرو تعهد دولت به اتخاذ اقدام در قلمرو خود برای حمایت از جمعیت خود از خشونت و بی‌رحمی و روی دیگر، تعهد آن دولت به اتخاذ اقدام در داخل قلمرو خود برای حمایت از اتباع خارجی است که ازنظر برخی صاحب‌نظران همان مبارزه با تروریسم است. درواقع، ظهور سریع مفهوم مسئولیت حمایت در طول بیش از ۱۵ سال گذشته تا حد زیادی به دلیل نقض‌های حقوق بشری گسترده در برخی کشورها و قصور جامعه بین‌المللی در مداخله برای پیشگیری از وقوع آن‌ها بوده است. به‌عنوان نمونه قصور جامعه بین‌الملل در جلوگیری از نقض‌های حقوق بشری اتحادیه آفریقا را بر آن داشت تا در سند تأسیس خود، حق اتحادیه را برای مداخله در دولت عضو در شرایط بحرانی و به هنگام وقوع جنایات جنگی، ژنوسید و جنایات علیه بشریت مورد شناسایی قرار دهد. (African Union, Constitutive Act, 2000, Article 4)

کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت در سال ۲۰۰۱ زمانی که گروه طالبان برای نخستین بار در افغانستان قدرت را در دست گرفته بود اظهار داشت: درجایی که جمعیت یک کشور متحمل صدمات جدی درنتیجه جنگ داخلی، شورش، آشوب یا قصور آن دولت می‌شوند و دولت موردبحث در جلوگیری و توقف این نقض حقوق قادر یا مایل نیست، دولت حاکم ناگزیر است دکترین مسئولیت حمایت را بپذیرد. به‌این‌ترتیب مسئولیت مفهوم جدایی‌ناپذیر از حاکمیت است به این معنا که حاکمیت یک دولت مطلق و نامحدود نیست. دولت باید مراقبت کند که نسبت به شهروندان خود به‌گونه‌ای رفتار کند که نیاز به پاسخ‌گویی به خاطر رفتار خود در قبال جامعه بین‌المللی نباشد. (بهمن تاجایی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۰) مسئولیت حمایت دکترینی است که وظیفه حاکمیت به پاسخ‌گویی در صورت رفتار نادرست نسبت به مردمان خود را گوشزد می‌کند. مسئولیت حمایت مشتمل بر اقدامات نازل‌تر از توسل به‌زور از کمک بشردوستانه گرفته تا تحریم‌های اقتصادی است و توسل به‌زور تنها آخرین راه چاره است که باید با مجوز شورای امنیت باشد.( International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS), 2001, p. 54)

در قطعنامه‌های اوایل دهه ۹۰ غالباً از صفت «منحصربه‌فرد» یا «استثنایی» برای دکترین مسئولیت حمایت استفاده می‌شد زیرا موضع چین و برخی دولت‌های دیگر نسبت به قطعنامه‌هایی که حوزه وظیفه حفظ صلح و مداخله شورا را به درون مرزهای یک دولت توسعه می‌داد، مثبت نبود. (Bruno, 1999, p. 22) لذا مسئله اصلاح قالب حاکمیت مطرح شد تا جامعه بین‌المللی بتواند چارچوبی را جهت جلوگیری از وقوع نقض‌های شدید و سیستماتیک حقوق بشر و پاسخ‌دهی به آن‌ها در مواردی‌که دولت حاکم قادر یا مایل به آن نیست سامان‌دهی نماید. ( SC Resolution, 2006, p. 1674)

چنین رویکردی محصول ارتقاء جایگاه فرد در عرصه مناسبات بین‌المللی یا به‌عبارت‌دیگر ارتقای جایگاه حقوق بشر بود، چنانکه کوفی عنان در سال ۱۹۹۹ اظهار داشت: «اکنون وقتی منشور را بازخوانی می‌کنیم هدف آن را حمایت از

بشر می‌بینیم نه حمایت از کسانی که آن‌ها را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند.» (Annan, K, 1999, p. 49) در راستای همین رویکرد بود که در سال ۲۰۰۴ هیأت عالی ملل متحد درخصوص «تهدیدات، چالش‌ها و تغییرات» گزارش «جهان امن‌تر: مسئولیت مشترک ما» را ارائه کرد و شورای امنیت را محکوم کرد که در این مسائل با تأخیر یا تردید عمل می‌کند و یا اصلاً عمل نمی‌کند. ( Secretary-General's High-level Panel on Threats, Challenges and Change, 2004, Xi) با توجه به این توضیحات، برخی معتقدند این دکترین، اگرچه مفهومی جدید است اما ریشه آن را توان در قرن بیستم و برای مثال در کنوانسیون منع و مجازات ژنوسید یافت. ( Office of *the Special Adviser for the Prevention of Genocide* 9 December 2011, para. 3) بعد از بررسی اجمالی مبانی نظری و سیر تحول تاریخی لازم است موضوع مسئولیت حمایت در افغانستان مشخص شود. تکوین حقوق مسئولیت حمایت ناشی از تعامل میان دو امر حقوقی و سیاست بوده که با یکدیگر همپوشانی داشته و از دید منتقدان نمی‌توان تأثیر منافع ترجیحی در حوزه سیاست بین‌الملل و باز آرایی دولت‌ها را در این عرصه نادیده گرفت زیرا عدم همکاری و نارضایتی حاکمیت‌ها کارآیی حقوق بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده و آن را تنها به یک سلسله قواعد ارزش محور اخلاقی مبدل می‌کند البته این موضوع را نمی‌توان با زاویه اراده‌گرایی مضیق ساخت زیرا به‌دلیل سیالیت در عرصه سیاست که آن‌هم برآمده از ماهیت منافع و یا تعارض در منافع مربوط به حوزه سیاست بین‌الملل است، نقش اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در بستر قاعده‌گرایی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد به‌ویژه که در شرایط پایانی قرن ۲۰ و قرن ۲۱ این ضرورت پس از تجربیات گرانی که از دو جنگ جهانی و جنگ منطقه‌ای بیرون آمد ضرورت وجودی خود را پدیدار ساخت. مستند به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات‌متحده سال ۱۹۸۴ و نیز رأی مشورتی شماره ۱۶ سال ۱۹۹۹ دادگاه بین آمریکایی حقوق بشر، وجدان جامعه بین‌المللی را در پذیرش اصول و قواعدی که تفسیر آن در راستای منافع بشریت بوده مجاب نمود. از دیدگاه سی ویلفرد جنکز دیگر نمی‌توان حقوق بین‌الملل را به‌عنوان حقوق حاکم بر روابط متقابل دولت‌ها و در پرتو تأمین منافع آن‌ها تبیین کرد.(فرزانه،۱۳۹۴: ۱۷) برخی تحلیل‌گران عرصه روابط بین‌الملل معتقدند که دیالوگی میان دو عرصه روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در آغاز هزاره سوم به وقوع پیوسته به‌گونه‌ای که نه خودبسندگی عرصه سیاست و نه پافشاری بر قاعده‌گرایی صرف بلکه گفتمانی است که به تثبیت یک رژیم بین‌المللی مسئولیت میان دولت‌ها کمک کرده تا از بروز فجایع انسانی و غیرانسانی یکدیگر را بازدارند. برآیند چنین مسئله‌ای همکاری میان دو عرصه حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل است.(قوام، محسنی، ۱۳۹۷، ص. ۵۰)

### ۲-۲- ابعاد سیاسی مسئولیت حمایت:

نخبگان سیاسی نقش مهمی در شکل‌گیری گفتمان‌ها همچنین نحوه عملکرد تصمیم سازان در عرصه سیاست خارجی دارند. (نخبگان سیاسی و صورت‌بندی گفتمانی اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰، ص. ۹۰۶) ابعاد سیاسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ازاین‌جهت واجد بررسی بوده که دولت‌های بسیاری در جهان آن را اهرمی برای نفوذ و دخالت قدرت‌های ذی‌نفوذ در مناطق جهان به‌حساب آورده و بدین خاطر است که می‌توان به دیالکتیک ارزشی از آن یاد نمود اما از دیدگاه بسیاری از تحلیل‌گران دولت‌ها در چارچوب تظاهر به موازین حقوق بین‌الملل اقداماتی را مرتکب شده که از آن در ادبیات این حوزه می‌توان به‌عنوان مسئولیت دولت بابت اعمالی یاد نمود که آثار زیان‌بار آن می‌تواند هم در بخش حقوقی نمود یابد و محورهای امنیت محور را نیز در برگیرد (مونتجویی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵) در همین راستا راهبرد روابط خارجی در خصوص محورهای آرمانی حقوق بین‌الملل بشر را می‌توان موردتوجه قرار داد. قدرت‌های بزرگ چشم‌انداز فراخی را برای حوزه سیاست‌های راهبردی خود قائل هستند در ایالات‌متحده آمریکا به‌ویژه در باب دکترین مسئولیت حمایت، حقوقدانان آنجا برای حقوق بین‌الملل نقشی متفرع بر گستره سیاست خارجی قائل هستند به‌گونه‌ای که در خصوص هژمونی دولت آمریکا در جهان به نظریه فراساحلی می‌توان اشاره داشت استفن والت، مرشایمر ولین معتقد به چنین موازنه‌ای هستند. به‌عنوان نمونه غرب آسیا برای این دولت به‌واسطه این‌که تولیدکننده ۳۰ درصد از انرژی جهانی در منطقه خلیج‌فارس است از اهمیت ژئواکونومیک قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بوده که نمی‌توانند به‌راحتی منافع خود را از دست بدهند در دوره بوش پسر این مسئله با اهداف پیشدستانه توأم گردید که تحت عنوان ضرورت مبارزه با القاعده و تروریسم موضوع حضور نظامی در افغانستان را تلاش داشت تا به‌عنوان یک هنجار واقع‌گرا بر رژیم مسئولیت حمایت بیفزاید. البته با این تفاوت که با استفاده از قابلیت‌های نظامی خویش با ایجاد پایگاهی، در بلندمدت منافع خود را تحت کنترل و تضمین قرار می‌دهند.(اکرمی،۱۴۰۰، صص. ۳۱۴-۳۱۳)

تأثیر چنین موضوعی در عمل بر میزان تأمین امنیت ملی ایالات‌متحده آمریکا بستگی پیدا می‌کند که می‌توان از آن تحت مسئولیت حمایت امنیت محور یاد نمود. این درحالی است که تثبیت جایگاه امنیت جهانی از منظر حقوق بین‌الملل و امنیت ملی از دیدگاه سیاست خارجی کشورها، منجر به تناقض میان این دو می‌شود یعنی بروز مخاطراتی که دولت‌ها در عرصه اجرایی کردن سیاست‌های راهبردی و تعمیم اولویت‌های امنیتی خود موجب بروز ناامنی در بین دیگر حاکمیت‌های جهان می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه حضور آمریکا در افغانستان و خروج اخیر آن از این کشور وضعیت دولت‌های پیرامونی را همچون ایران به لحاظ جایگاه امنیت و مدیریت بحران انسانی مهاجران افغان در کنار بحران‌های همه‌گیر دیگری نظیر کرونا، تحت تأثیر قرار داد. ازاین‌رو برای مدیریت بی‌ثباتی ناشی از افول هژمونی آمریکا و لزوم مواجهه با پیچیدگی‌های جهانی، ایجاد حاکمیت منطقه‌ای ضرورت می‌یابد. (بیات و همکاران،۱۴۰۰، ص. ۵۹۹)

## ۲- مسئولیت حمایت در تحولات اخیر افغانستان مستند به قطعنامه ۲۵۹۳

پیچیدگی تحولات و بحث مسئولیت حمایت در افغانستان را می‌توان مستند به قطعنامه ۲۵۹۳ شورای امنیت تحت عنوان وضعیت منحصربه‌فرد[۶] در حقوق بین‌الملل یاد نمود.

نظام حقوق بین‌الملل در مورد مشروعیت حکومت‌ها برخلاف نظام حقوق بین‌الملل کلاسیک، در سه دهه اخیر، از معیار «اعمال قدرت مؤثر» به‌عنوان تنها معیار قابل‌اعمال در مورد مشروعیت حکومت‌ها استفاده نمی‌کند و به‌ویژه در موارد انتقال غیرمسالمت آمیز قدرت و مغایر مقررات قانون اساسی، موضعی کاملاً سلبی دارد و از شناسایی حکومت-هایی که به طرق غیردموکراتیک به قدرت رسیده‌اند، خودداری کرده است. درعین‌حال، نمی‌توان از معیار «مشروعیت دموکراتیک» به‌عنوان تنها معیار در سنجش مشروعیت حکومت‌ها سخن راند به‌ویژه اگر شیوه‌ی به قدرت رسیدنِ حکومت غیر دموکراتیک مستقر در این کشورها، مسبوق به برکناری و اسقاط حکومت‌های دموکراتیک و برخاسته از اراده مردمی نباشد و همواره در آن کشور، نظامی غیردموکراتیک حاکم بوده باشد؛ اما در موضوع حاضر، از آن‌جایی که افغانستان دارای دولت مستقر مبتنی بر قانون اساسی و انتخابات بوده است که توسط گروهی با اعمال زور ساقط‌شده و نیز با توجه به ماده شصت قانون اساسی افغانستان که معاون اول رئیس‌جمهور را در حالت غیاب، استعفا و یا وفات وی، کفیل او می‌داند، به نظر نمی‌رسد که بتوان مبنایی حقوقی یافت تا نظام قبلی را که معاون اول رئیس‌جمهور و کفیل قانونی آن نیز در داخل خاک این کشور حضور دارد، ساقط و قدرت طالبان را به رسمیت شناخت؛ مگر زمانی که قانون اساسی این کشور بر اساس تصویب مردم و سازوکارهای حقوق اساسی این کشور تغییر کرده و ساختار جدیدی جایگزین ساختار قبلی گردد. موضوع جانشینی حکومت جدید در مسئولیت بین‌المللی، معاهدات بین‌المللی و دیون مطرح می‌شود که لازم است مورد مداقه قرار گیرد.(محمدزاده،۱۴۰۰، ص ۱)

در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها چنان‌چه یک جنبش شورشی موفق به تشکیل حکومت شود، به استناد اصل «دولت در حال گذار» که بیان‌گر نوعی اهلیت ناقص یا در حالِ شکل‌گیری برای جبهه مبارز است و مستند به کنفرانس ۱۹۳۰ لاهه و بند ۱ ماده ۱۰ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، حکومت جدید نسبت به تخلفات بین‌المللی خود در جریان جنبش، مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت. همچنین به استناد «اصل تداوم دولت» حکومت جدید نسبت به تخلفات بین‌المللی حکومت سابق نیز مسئول خواهد بود.(کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد،۱۳۸۸، ص ۷۲)

---

[6] Sui generis

شورای امنیت سازمان ملل متحده درپی تحولات اخیر در افغانستان روز دوشنبه ۳۰ اوت (۸ شهریور) به صدور قطعنامه ۲۵۹۳ مشتمل بر ۷ ماده مبادرت کرد که در آن به‌صراحت از طالبان خواسته تا به تعهدات خود مبنی بر تأمین امنیت غیرنظامیانی که به دنبال خروج از افغانستان هستند عمل کند.

آنچه در این قطعنامه واجد بررسی است و این سند آن را به‌صورت کلی مطرح نموده اشخاص تحت حمایت است؛ اشخاص تحت حمایت در این قطعنامه شامل: الف- اتباع افغانی که قصد پناهندگی دارند که موضوع ماده ۳ قطعنامه است. ب- اتباع افغانی که در خاک این کشور سکونت داشتند و قطعنامه به آن‌ها اشاره نداشته است. ج- اتباع کشورهای ثالث که به‌عنوان اشغال‌گر در خاک افغانستان به‌صورت پرسنل نظامی حضور داشتند و هدف اصلی صادرکنندگان این قطعنامه در درجه اول حمایت از آن‌ها است که از شهروندان و اتباع خودشان هستند.

حال‌آن‌که مطابق ماده ۴ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۵۰ پروتکل اول الحاقی شخصی موردحمایت است که تبعه طرف مخاصمه نباشد در مورد مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی که در پی مداخله یک دولت بیگانه وضع بین‌المللی شدن پیداکرده‌اند اعمال تابعیت می‌تواند آثار ناگواری را دربرداشته باشد برای این منظور آن‌چه که بیشتر موردنظر صادرکنندگان قطعنامه ۲۵۹۳ است عنصر وفاداری بوده تا این‌که الگوی حقوق بشری را مناط اعتبار قرار دهند. (ممتاز، شایگان،۱۳۹۷، صص ۳۶-۳۵)

شورای امنیت دوباره بیست روز پس از صدور قطعنامه ۲۵۹۳ در ۱۷ سپتامبر قطعنامه ۲۵۹۶ را صادر کرده که تنها به دسترسی و تداوم کمک‌های بشردوستانه تأکید کرده است و همچون قطعنامه قبلی شورا «احترام به حقوق بشر ازجمله حقوق زنان، کودکان و اقلیت‌ها» را بار دیگر تکرار می‌نماید.(قطعنامه شورای امنیت، شماره ۲۵۹۶، سال ۲۰۲۱). این نهاد باوجودی که در قطعنامه از طالبان می‌خواهد تا اجازه دسترسی کابل، ایمن و بدون مانع را به سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌ها برای ارائه کمک‌های بشردوستانه داده شود اما همچنان در ارائه راهکار عملیاتی و واقعی دچار کلی‌گویی است. یکی از مسائل مهم که در چارچوب قطعنامه فوق موردتوجه واقع گردید

مطابق ماده ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی مصوب سال ۲۰۰۱ از آن‌جا که مسئولیت اولیه گروه‌های شورشی برعهده خود آن‌ها بوده و جنبه‌ای از اعمالشان به شمار می‌رود. زمانی که در این زمینه کوتاهی صورت بگیرد، سایر دولت‌ها از طریق ملل متحد به اقدامات صلح‌آمیز، بشردوستانه یا دیپلماتیک متوسل می‌شوند. اگر این اقدامات با شکست مواجه شوند شورای امنیت می‌تواند اجازه اتخاذ اقدام جمعی برای برخورد با وضعیت را صادر کند. درواقع جنبه عینی‌تر چنین مسئولیتی آن است که بتوانند راهکار عملی را پیاده‌سازی نمایند. در این خصوص می‌توان به رأی بارسلونا تراکشن سال ۱۹۷۰ میان بلژیک و اسپانیا اشاره داشت که تفکیکی ضروری میان تعهدات دولت‌ها نسبت به جامعه بین‌المللی و تعهدات دولت‌ها در مقابل هم را مورد تأکید قرار می‌دهد. تعهدات نخستین که تمام دولت‌ها در آن ذی‌نفع هستند و اهمیت این حق‌ها نشان‌گر تعهدات عام الشمول است. (سیفی،پیشین، ص ۴۴)

این‌که می‌توان از فرد در مقابل دولت خودش محافظت کرد در آغاز نقض حاکمیت تلقی می‌شد. (Tang. J, 1999, p. 15) اما این ایده به‌تدریج در حقوق بین‌الملل پذیرفته‌شده است که دولت‌ها نباید در مقابل نقض فاحش حقوق بنیادین افراد تحت قلمرو صلاحیتی خود بی‌تفاوت باشند. حمایت از حقوق بشر به‌موازات مسئول شناختن فرد برای نقض‌های حقوق بشر و بشردوستانه (اصل مسئولیت کیفری فرد) بود که از سال ۱۹۴۵ و با تشکیل دادگاه کیفری نورنبرگ آغاز گردید با تأسیس دادگاه‌های کیفری و دیوان بین‌المللی کیفری، رویه قضایی دراین خصوص غنی‌تر شد. (Cranston, A. 2012, p. 11)

کشور افغانستان به دلایل مختلف ازجمله نقض‌های حقوق بشر، ضعف حاکمیت قانون و فساد اقتصادی وضعیت مساعدی ندارد. نابسامانی‌های کشور فوق در ابعاد مختلف سیاسی و حقوقی از دیرباز موضوع بحث بوده که اشغال آن توسط آمریکا نیز نه‌تنها اوضاع را بهتر نکرد بلکه سبب وخامت بیشتر اوضاع شد به‌این‌ترتیب عناصر اعمال مسئولیت حمایت در آنجا در قسمت بعد موردتوجه قرار خواهد گرفت.

**۳- عناصر اعمال مسئولیت حمایت در افغانستان**

اختلاف‌نظر اعضای دائم شورای امنیت در وقایع اخیر افغانستان و صدور قطعنامه ۲۵۹۳ بیان‌گر تعارض منافع میان این دولت‌ها است که خود مانع از اتخاذ تصمیمی گردید که در چارچوب فصل‌های هفتم و ششم منشور ملل متحد واکنش مؤثری را نسبت به فضای تعقیب و گریز ناشی از استیلای طالبان در جامعه بحران‌زده افغانستان به‌عمل آورند.(Social security, Resolutions/RES/2593(2021), pp. 1)

این درحالی است که اعضای دائم شورای امنیت در قضیه سوریه و محکوم کردن به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی در منطقه الغوطه شرقی ریف دمشق هم‌داستان بودند و در سال ۲۰۱۳ به‌کارگیری این نوع سلاح را توسط طرفین درگیر نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی اعلام کردند. (زمانی،۱۳۹۵، ص ۶۴۰) یکی از مؤثرترین راه‌های پیشگیری از وقوع فجایع در افغانستان نظیر آن‌چه که در تنگه پنجشیر رخ داد، خاتمه دادن به رنج‌های بشری برای رسیدن به صلحی عادلانه و همیشگی است و این صلح عادلانه و همیشگی از طریق اقدامات قاطعانه کشورها و افراد با تأکید بر اشتراکات و ارزش‌های بشری حاصل می‌شود که سازمان ملل در الهام بخشی و هماهنگی این اقدامات نقش مهمی را می‌تواند ایفا کند. (Champion & Malas, 2011, p. 41)

لذا توجه به صلح، توجه به حقوق انسانی است. تجربه نشان داده است که انسان برای حفظ خود و حقوق انسانی خود باید صلح را بسازد و برای ساختن صلح لازم است زیربنای صلح ساخته شود و زیربنای صلح نیز چیزی جز حقوق بشر نمی‌باشد. چراکه حق بر صلح نیز یکی از مقولات حقوق بشر می‌باشد. طبیعی است کارکردی که باید تقویت شود، کارکرد تحکیم صلح است و اقدامی که باید صورت گیرد اقدامات صلح‌سازی است تا جامعه‌ای برابر و عادلانه که در آن کرامت و شأن انسانی موردتوجه قرار گیرد، شکل گیرد. (Sarkin. J, 2008, p. 199) مطابق با ماده ۱۰ سند مسئولیت بین‌المللی در چارچوب عناصر ذکرشده نقش، پذیرش و اعمال مسئولیت حمایت باید در بستر

نظام حقوق بشر بین‌المللی اعمال‌شده که تا این خود واحد زیادی وابسته به متابعت داوطلبانه دولت‌ها و گروه‌هایی است که در آن سرزمین کنترل مؤثر و واقعی را در دست دارند. (Penrose, M. M, 2000, p. 321)

آنچه که به نظر می‌رسد قطعنامه اخیر شورای امنیت در باب اعمال موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه زمینه نوعی دیالکتیک ارزش انسانی را فراهم کرده است و آن مبنای کنترل مؤثر و کنترل کلی بوده با این توضیح که شورای امنیت مطابق ماده ۱۰ سند طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، به اقدامات انتسابی از سوی یک گروه شورشی تحت عملیات نظامی گسترده و به‌کارگیری فشارها و سخت‌گیری‌های غیرانسانی علیه جمعیت‌های نژادی، قومی و مذهبی کمتر تفقد نشان داده با توجه به این‌که این گروه (طالبان) در جامعه بین‌المللی در تعهد به رعایت موازین حقوق بین‌الملل کارنامه خوبی ندارد. ازجمله این موارد درگذشته کشتاری است که در مرکز هیئت دیپلماتیک ایران سال ۱۹۹۸ در شهر مزار شریف از یک خبرنگار و گروه دیپلمات‌های ایرانی انجام داد که اقدامات ناقض موازین حقوق بین‌الملل تلقی می‌شوند اگرچه این گروه بعدها این اقدام را رافع مسئولیت خویش اعلام نمود و آن را متوجه گروه خودسر از شاخه جنگجویان طالبان پاکستان یا گروه معروف حقانی دانست. (آقاجری، کریمی،۱۳۹۴، ص ۸۸)

حال آن‌که مستند به آرا دیوان بین‌المللی دادگستری ازجمله در قضیه نیکاراگوئه این بخش از مسئولیت حمایت شامل مسئولیتی است که هر یک از طرفین در این قضیه دارند و شامل عناصر و سازوکارهای حمایتی است که در قطعنامه اخیر شورای امنیت در خصوص افغانستان به ایجاد «منطقه امن» که جزو درخواست فرانسه بود، اشاره‌ای نشده است. سیزده دولت عضو از پانزده عضو شورای امنیت به متنی که توسط نمایندگان ایالات‌متحده آمریکا، فرانسه و بریتانیا تهیه‌شده بود رأی مثبت دادند درحالی‌که چین و روسیه رأی ممتنع خود را اعلام کردند. در مفاد این قطعنامه تأکید شده که طالبان پس از خروج نیروهای آمریکایی به تمام «تعهدات» خود به‌ویژه درباره موضوع «خروج امن» و «برنامه‌ریزی‌شده» افغان‌ها و اتباع خارجی از افغانستان عمل کند.

در ماده ۵ از قطعنامه ۲۵۹۳ به بیانیه طالبان در ۲۷ اوت پرداخته که در آن اشاره‌شده است که شهروندان افغانی می‌توانند هر زمان که بخواهند به خارج از کشور سفر کنند و از طریق گذرگاه‌های مرزی چه به‌صورت هوایی و یا زمینی افغانستان را ترک کنند. این در حالی است که متن قطعنامه به مسئله منطقه امن که از پیشنهادات رئیس‌جمهور فرانسه بود، نمی‌پردازد. حال‌آنکه در ماده ۳۵ بخش سوم، دستور کار مشترک مجمع عمومی ملل متحد و شورای امنیت مصوب مورخ ۲ سپتامبر ۲۰۲۱ مسئولیت حمایت از جان و مال شهروندان افغان را دریک بخش گسترده‌تری را موردتوجه قرار داده است. ازآنجاکه مسئولیت حمایت درصورتی اعمال می‌شود که حمایت سیاسی از آن صورت گیرد. لذا مسئولیت حمایت که در سال ۲۰۰۵ یک مفهوم اختلافی بود، درطی سال‌های اخیر و به‌ویژه در ۲۰۱۱ و با ایفای نقش از سوی نهادهای منطقه‌ای به یک واقعیت کاربردی تبدیل شده هرچند حدود و ثغور و معیارهای آن همچنان مبهم است. (World Federalist Movement - Institute for Global Policy, 2011) حال آنکه سال ۲۰۱۱

دبیرکل سابق ملل متحد در این خصوص بیان داشته است: «مسئولیت حمایت از حمایت روزافزون و گسترده‌ای نزد دولت‌های عضو برخوردار شده است. من خرسندم که این قاعده جهش سریعی پیدا کرده است. البته می‌دانم که نگرانی‌هایی از سوی برخی دولت‌ها وجود دارد. به همین دلیل است که ما صبور بوده‌ایم تا این فرایند هرچند زمان‌بر موردحمایت واقع شود البته نه بدان معنی که دیگر بدفهمی درخصوص این اصل و اعمال آن وجود نخواهد داشت.» (Ban K., *Year-End Press Conference*, United Nations, 2011) هرچند که اعضای شورای امنیت ملل متحد با تصویب قطعنامه ۲۵۱۳ (۲۰۲۰) نسبت به تلاش گروه طالبان در راستای شناسایی دولت تازه تأسیس خود در جامعه بین‌المللی موسوم به امارت اسلامی واکنش نشان دادند. اعضای شورا، عدم تمایل خود را در برقراری روابط با چنین رژیمی اعلام داشته زیرا بسیاری از چهره‌های سرشناس این گروه هنوز در فهرست گروه‌های تروریستی و کمیته تحریم‌های شورای امنیت قرار دارند.(عزیزی،۱۴۰۰: ۷) لازم به ذکر است علی‌رغم صدور قطعنامه‌هایی در خارج از فضای شورای امنیت، اعضای دائم آن به‌ویژه ایالات‌متحده آمریکا یک‌سال قبل از به قدرت رسیدن این گروه مذاکرات مستقیمی با طالبان داشته‌اند درحالی‌که مسئولیت بسیاری از اعضای آن‌ها از این حیث محرز است لذا این خود می‌تواند به اجماع جهانی در عمل به قطعنامه‌های یادشده از یک‌سو و مواضع واحد دولت‌های جهان در قبال این گروه تأثیرات سویی را به‌جا گذارد.

**نتیجه**

شرایط نوظهور در افغانستان پس از استیلای طالبان و تجربه‌ی نظام ملل متحد حاکی از ارتباط موضوعات بین‌المللی با ابعاد مختلف حقوق بشری است. امنیت ملی و متعاقب آن امنیت بین‌المللی و از بین رفتن خشونت و درگیری در درون کشورها و روابط میان دولت‌ها با به‌کارگیری ابزارهای نظامی محقق نمی‌شود. نیل به این هدف مستلزم تلاش‌های پیشگیرانه در جهت از بین بردن زمینه‌های بروز خشونت و درگیری در دو سطح داخلی و بین‌المللی است.

ازاین‌رو سازمان ملل باید به ابزار مؤثرتری در جهت تحقق صلح تبدیل شود تا اولویت‌هایی همچون مبارزه علیه خشونت و درگیری و مقابله با جرائمی نظیر جنایت علیه بشریت و نقض‌های فاحش حقوق بشر را دنبال کند. طبیعی است که در این راستا شورای امنیت باید مسئولیت‌های خود را در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به نحو مؤثرتری انجام دهند تا بتواند ازنظر افکار عمومی مشروعیت بیشتری به دست آورد.

به نظر می‌رسد تحولات افغانستان اماره‌ای بر پذیرش اعمال مسئولیت حمایت است و حملات تروریستی به جمعیت غیرنظامی، اخراج، کوچ اجباری، نقض حقوق زنان و کودکان، رعب و وحشت و ناامنی مصادیق نقض حقوق بشر افراد است. برای اعمال مسئولیت حمایت لازم است دولتی قادر یا مایل نباشد از افراد تحت صلاحیت خود حمایت نماید که در این صورت، این وظیفه به عهده جامعه بین‌المللی است. عملیاتی هماهنگ، سازمان‌یافته و نظام‌یافته که در افغانستان رخ‌داده است نه‌تنها مانع ارتکاب این اعمال نشد بلکه خود ارتکاب این اعمال را رهبری و هدایت کرده

است. جامعه بین‌المللی نیز فقط به صدور قطعنامه‌ای از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل اکتفا نموده است. به‌این‌ترتیب با توجه به شرایط موجود در افغانستان می‌توان گفت در راستای حمایت و حفاظت از حقوق ملت افغانستان، ایجاد بستری مناسب برای اعمال حق تعیین سرنوشت ملت افغانستان می‌تواند راه‌کاری برای خاتمه یافتن نابسامانی موجود در این کشور درنتیجه اشغال نظامی آمریکا در گذشته و استیلای طالبان در زمان حاضر باشد.

## فهرست منابع

### الف: فارسی


اکرمی، طه (۱۴۰۰) «تحول راهبردی پایگاهی آمریکا: مطالعه موردی منطقه غرب آسیا (۲۰۱۵-۲۰۱۲)» فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۲، صص:۳۳۶-۳۰۹.

آقاجری، محمدجواد، کریمی، مرتضی (۱۳۹۴) نقش بازیگران منطقه‌ای در فرآیند‌دولت سازی افغانستان در دوران طالبان وپساطالبان، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، سال ۸، شماره ۳۰، صص:۵۷-۱۰۲.

بقایی ماهانه، اسماعیل، **(۱۳۸۰)** ،«تروریسم بین‌المللی و شورای امنیت سازمان ملل»، **راهبرد**، شماره ۲۱.

باقری دولت آبادی، علی، باقری، محمد و نابیج، علیرضا، (۱۳۹۷)، «نقش عادت واره های قوم پشتون در بازتولید قدرت طالبان»، سیاست پژوهی دوره ۵ ، شماره یازدهم، زمستان۱۳۹۷، صص:۱۰۳-۷۵.

بهمن تاجایی، شهرام، ( ۱۳۹۴)، « حاکمیت و مسئولیت حمایت در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، **سیاست جهانی**، دوره چهارم، شماره ۱، ۲۶۱-۲۳۷.

بیات مصطفی وهمکاران(۱۴۰۰) «پسا کرونا، افول هژمونی آمریکا وظهور جهان منطقه‌ای ایران» فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۳،صص:۶۲۶-۵۹۹.

رحمانیان، حامد، پیری، حیدری، ( ۱۳۹۲)، «بررسی کیفرشناختی جنایات بین‌المللی»، **مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، دوره پنجم، شماره دوم،۵۸-۲۶.

دولت خواه، زهرا، امام جمعه‌زاده، سید جواد، (۱۳۹۴)، «دکترین مسئولیت حمایت: بررسی تطبیقی رویکرد اعضای دائم شورای امنیت در قبال بحران‌های لیبی و سوریه، **راهبرد**، سال بیست و چهارم، شماره ۷۷، ۸۳-۵۹.

زمانی، سید قاسم، زمانیان، سورنا، (۱۳۹۵)، «جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه»، **مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۶، شماره ۳، ۶۴۸-۶۲۷.

سروش، عبدالکریم (۱۳۵۷) نقدی و درآمدی بر تضاد دیالکتیکی، تهران، انتشارات حکمت.

سیفی، سیدجمال (۱۴۰۰) حقوق مسئولیت بین‌المللی،تهران ، شهردانش

شهبازی،آرامش،(۱۳۸۸) حقوق بین‌الملل دیالکتیک ارزش و واقعیت، تهران انتشارات شهر دانش.

عزیری، ستار، حاجی، محمد، (۱۳۹۵)، « احراز مسئولیت دولت در خصوص ارتکاب ژنوسید: در تقابل یا تعامل با روند عدالت انتقالی»، **مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، دوره هشتم، شماره دوم، ۱۸۲-۱۴۸.

عزیزی، ستار(۱۴۰۰) « شناسایی امارت اسلامی افغانستان(طالبان)از منظر حقوق بین‌الملل»فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۸، شماره ۲(۷۰)،صص:۲۲-۷.

قوام، سیدعبدالعلی، محسنی، سمیرا(۱۳۹۷) دیالوگ میان روابط بین‌الملل وحقوق بین‌الملل درآغاز هزاره سوم، نشر مخاطب، تهران.

قوام، عبدالعلی، روان بد، امین، (۱۳۸۹)، «مفهوم مسئولیت حمایت: ارزیابی نقش غرب جنبش عدم تعهد در شکل‌گیری هنجار جهانی»، **راهبرد**، سال نوزدهم، شماره ۵۵، ۱۸۷-۱۷۱.

قیصری، محمد، محمودی، نقدی‌پور،باقری علیرضا، نخبگان سیاسی و صورت‌بندی گفتمانی اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳ ،شماره ۴ ،پیاپی ۵۲ ،زمستان ۱۴۰۰ ،صص ۹۰۳-۹۳

فرزانه، یوسف(۱۳۹۴) انسانی شدن حقوق بین‌الملل باتاکیدبر نظریه مسئولیت حمایت ،انتشارات میزان،تهران.

کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، (۱۳۸۸)مسئولیت بین‌المللی دولت ،مترجم: ابراهیم گل، علیرضا، تهران، انتشارات شهردانش.

لسانی، حسام‌الدین، منفرد، مهوش، ( ۱۳۹۶)، « تاملی بر مشروعیت سیاست کشتار هدفمند از منظر حقوق بین‌الملل

بشردوستانه»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره نهم، شماره دوم، ۲۷۶ -۲۴۶.
محمدزاده،ســاوالان(۱۴۰۰)طالبان در پیشــگاه حقوق بین‌الملل:نگاهی به زوایای مختلف، انجمن ایرانی مطالعات ســازمان ملل متحد، https://unstudies.ir/iauns-forum/
ممتاز،جمشید، شایگان،فریده(۱۳۹۷) حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالشهای مخاصمات مسلحانه عصر حاضر، تهران ،چاپ دوم ،انتشارات شهر دانش.
مونتجویی،مایکل(۱۳۹۶) مفهوم مســئولیت در غیاب فعل متخلفانه بین‌المللی، از کتاب: کرافورد،جیمز وهمکاران، مســئولیت بین‌المللی ناشــی از اعمال منع نشــده در حقوق بین‌الملل، مترجم: حدادی ، مهدی،کریمی، ســیامک، انتشــارات مجد، تهران.
میرعباســی، ســیدباقر، محمدی، عقیل، (۱۳۹۶)، «چالش‌های اجرایی نظریه مســئولیت حمایت با نگاهی به وضــعیت لیبی و سوریه»، **پژوهش حقوق عمومی**، سال نوزدهم، شماره ۵۷، ۳۸-۱۰.
نیکنام ابر بکو، بهناز،(۱۳۹۵)، « دکترین مسئولیت حمایت: ارتقاء حقوق بشر یا تئوری جنگ عادلانه»، **سیا ست جهانی**، سال سی‌ام، شماره ۳، ۳۰-۷.
نلسون، ویلیام، (۱۳۸۴)«در توجیه دموکراسی»، ترجمه پارسا، علیرضا، تهران، نشر دیگر، چاپ اول ، زمستان.

***اسناد***

قطعنامه شورای امنیت ملل متحد،شماره ۲۵۹۶،مورخ۱۷سپتامبر۲۰۲۱.

**ب: انگلیسی**

Berkman, P. A., Lang, M. A., Walton, D. W., & Young, O. R. (2011). Science diplomacy. Antarctica, Science and the Governance of International Spaces.

Barbour, B. and Gorlick, B.) (2008), "*Embracing the 'Responsibility to Protect:'* A Repertoire of Measures Including Asylum for Potential Victims", International Journal of Refugee Law, Vol.20, No.159

Ban, K, (2012), *Responsibility to Protect Came of Age in 2011, Conference on the Responsibility to Protect (RtoP), United Nations*, 18 January, available online at http://www.un.org/News/Press/docs/ 2012/sgsm14068.doc.htm(last visited 25 October 2021).

Bruno Simma, (1999) "NATO, the UN and the Use of Force: Legal Aspects", European Journal of International Law, No.1.

Champion.M & Malas.N, (۲۰۱۱), Syria *Pressures Opposition: Military Units Move on Border Towns, While Expatriates Take Steps to Form Alternative Government*, THE WALL STREET JOURNAL ONLINE, *at* http://online.wsj.com/article/SB10001424052702304521304576449793044695976.html. (last visited 25 October 2021)

Desmond. T, (۲۰۰۸) *Taking the Responsibility to Protect*, INT'L HERALD TRIB., Feb. 20.

Evans, G., (۲۰۰۷) *Delivering on the Responsibility to Protect: Four Misunderstandings, Three Challenges and How to Overcome Them*, Stiftung Entwicklung und Frieden (Development and Peace Foundation) Symposium, 30 November, available online at http://www.gevans.org/speeches/speech243.html. (last visited 25 october 2018)

Evans,Gareth(2008)The Responsibility to protect,The Brookings Institution,Washington.

Fahim.K & D. Kirkpatrick.D, (2011), *Qaddafi Massing Forces in Tripoli as Rebellion Spreads*, N.Y. TIMES, Feb. 25.

Heaton, L.,(۲۰۱۲ ) *The UN Standard to Prevent Genocide, 10 Years Later*, Christian Science Monitor, 23 January, available at <http://www.csmonitor.com/World/Africa/Africa-Monitor/2012/0123/The- UN-standard-to-prevent-genocide-10-years-later> . (last visited 25 october 2021)

J. Wheeler. N, (۲۰۰۸) "*Operationalizing the Preventive Aspects of the Responsibility to Protect",* Norwegian Institute of International Affairs, NO.3.

Penrose, M. M., (2000), "*Lest we Fail: the Importance of Enforcement in International Criminal Law*", American University International Law Review, Vol. 15.

Sarkin, J., (2008) "*The Role of Regional Systems in Enforcing State Human Rights Compliance: Evaluating the African Commission on Human and People's Rights and the New African Court of Justice and Human Rights with Comparative Lessons from the Council of Europe and Organisation of American States*." Inter-American and European Human Rights Journal, vol.1 No.2.

Sarkin, J., (2009), "*The Role of the United Nations, the African Union and Africa's Sub-Regional Structures in Dealing with Africa's Human Rights Problems: Connecting Humanitarian Intervention and the Responsibility to Protect*", *Journal of African Law*, Vol. 53.

Sarkin.J, (۲۰۱۲) is the Responsibility to Protect an Accepted Norm of International Law in the post-Libya Era? Groningen Journal of International Law. Vol. 1, no. 0.

Turner, M., (2005) "*UN Must Never Again be Found Wanting on Genocide"*, Financial Times, 15 September 2005, available online at <http://www.ft.com/intl/cms/s/545f929a-2618-11da-a4a7-00000e2511c8,Authorised=false.html?_i_location=http%3A%2F%2Fwww.ft.com%2Fcms%2Fs%2F0%2F545f929a-2618-11da-a4a7-00000e2511c8.html&_i_referer=#axzz1sSn4rDQz>.

Christie, Kenneth and Hanlon, Robert James, (۲۰۱۴), Sustaining Human Rights and Responsibility: The United Nations Global compact and Myanmar, Athens Journal of social Science, Vol.1.No.1.

ج: اسناد

International court of justice, Application of the convention on the prevention and punishment of the crime of Genocide of the crime of Genocide,The Gambia v.Myanmar,No.178,22July 2022.

United Nations,security council, Resolution 2593 30th August 2021

SC Resolution 1674, 26 April 2006.

Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty, *The Responsibility to Protect*, 2001.available at http://responsibilitytoprotect.org/ICISS%20Report.pdf.

African Union, *Constitutive Act (2000),* at http://www.africa-union.org/root/au/AboutAu/Constitutive_Act_en.htm.

Bngladesh/ Myanmar: Rakine,conflict 2017, world Health organization, Regional office for South – East Asia, Report No 1, 2017, 15 September, p1

United Nations Human rights office of the high commissioner, report of OHCHR mission to Bangladesh interviews with Rohingyas feeling from Myanmar since 9 October 2016, flash report, 3 February 2017: 16

Office of *the Special Adviser for the Prevention of Genocide* 9 December 2011, available at<http://www.un.org/en/preventgenocide/adviser/pdf/Anniversary%20of%20the%20Convention%20Statement%20FINAL.pdf>.

UN General Assembly, *Early Warning, Assessment and the Responsibility to Protect. Report of the Secretary-General*, United Nations, 14 July 2010, A/64/864, available at www.un.org/en/preventgenocide/adviser/responsibility.shtml

UN General Assembly, *Implementing the Responsibility to Protect: Report of the Secretary-General*, United Nations, 12 January 2009, available at http://www.unhcr.org/refworld/docid/4989924d2.html .

Secretary-General's High-level Panel on Threats, Challenges and Change, *A More Secure World: Our shared Responsibility*, United Nations, 2004.at http://www.un.org/secureworld/ report2.pdf.

United nations General Assembly, Responsibility of States for nternationally wrongful acts Compilation of decisions of international courts, tribunals and other bodies, United Nations A/77/74, 29 April 2022.

Ban, K., Secretary-General Defends, Clarifies, "*Responsibility to Protect*" at Berlin Event on "*Responsible Sovereignty: International Cooperation for a Changed World*", United Nations Department of Public Information, 15 July 2008, SG/SM/11701at <http://www.un.org/News/Press/docs/2008/sgsm11701.doc.htm>.

United Nations, Annan, K. A., *We the Peoples: The Role of the United Nations in the 21st Century*, 27 March 2000, available online http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/un/unpan000923.pdf .

Report: Fighter jet shot down nearBenghazi, cnn word, (Mar. 19, 2011), http://articles.cnn.com/2011-03-17/world/libya.civil.war_1_rebel-stronghold-civilians Benghazi? _s=PM: WORLD.

Security Council Report, *Security Council Transparency, Legitimacy and Effectiveness*, 18 October 2007, available online at <http://www.securitycouncilreport.org/site/c.glKWLeMTIsG/b.3506555/k.DA5E/Special_Research_ReportbrSecurity_Council_Transparency_Legitimacy_and_Effectivendessbr18_October_2007_No_3.htm.

Asia- Pacific center for the responsibility to protect, cyclone nargis and the responsibility to protect, Myanmar/ Burma Brief No 2, 16, 2008

African Union, Constitutive Act (2000), Article 4 (h); at http://www.africa-union.org/root/au/AboutAu/Constitutive_Act_en.htm.

UN General Assembly, Early Warning, Assessment and the Responsibility to Protect. Report of the Secretary-General, 2010)

UN General Assembly, Implementing the Responsibility to Protect: Report of the Secretary-General, 2009

Ban, K., Remarks to the General Assembly: Informal Integrative Dialogue on 'Early Warning, Assessment, and the Responsibility to Protect (RtoP)', 2010

SC Resolution 1674, 28 April 2006.

SC Resolution 1755, 30 April 2007.

SC Resolution 1828, 31 July 2008.

Amnesty International, 34th the session of the UN Human Rights council, 2017, ASA16/5683/201

Amnesty International, ASA, 16/5758/2017

Report on situation of human rights in Myanmar, prepared by the special rapporteur on the situation of human rights in Myanmar, UN Doc A/67383, 25 September, 2012, para 63

Towards a peace full, fair and prosperous future for the people of pakine, final report of the advisory commission on Rakhine state, advisory commission on Rakhine state, August 2017:19

World Federalist Movement - Institute for Global Policy, General Assembly Holds Third Interactive Dialogue on the Role of Regional and Sub-Regional Arrangements in Implementing the Responsibility to Protect, 13 July 2011

United Nations Human rights office of the high commissioner, report of OHCHR mission to Bangladesh interviews with Rohingyas feeling from Myanmar since 9 October 2016, flash report, 3 February 2017: 16

Social security, Resolutions/RES/2593(2021